**به نام خدا**

**ارائه دهنده: استاد:
سبحان سجادی دکتر سینا نعمتی زاده**

**۱- پارادایم علمی اثبات گرایی**

هستی شناسی اثبات گرایی واقع گرایانه است واقع گرایی مبتنی بر این دیدگاه است که اشیا ماهیتی مستقل از افراد دارند بدین ،روی میتوان گفت: واقعیت مستقل از پژوهشگر است. بسیاری از اثبات گرایان معتقدند که واقعیت تحت تأثیر احساسات قرار نمیگیرد. زبان با توجه به کارکرد تعیین کننده خود نقش تمثیلی را در رابطه با جهان طبیعی ایفا میکند؛ بدین معنا که واژه ها معنای خود را از اشیایی میگیرند که آنها را تعیین میکنند یا می نامند.

معرفت شناسی اثبات گرایی عینی گرایانه .است اثبات گرایان با داشتن دیدگاهی منصفانه نسبت به ،جهان به کشف دانش مطلق در رابطه با یک واقعیت عینی می پردازند. پژوهشگر و موضوع پژوهش مستقل از یکدیگرند. معنا صرفاً در آشیا نهفته است، نه در باطن پژوهشگر و هدف پژوهشگر کشف این معناست.

جملات اثبات گرایانه توصیفی و مبتنی بر واقعیت هستند. پارادایم علمی، مبناگراست؛ چرا که فرضیه های علمی مبتنی بر داده ها و واقعیات هستند. این نوع دانش قابل کشف مطلق و آزاد از ارزش است.

روش شناسی اثبات گرایی به دنبال توضیح روابط است. اثبات گرایان به دنبال شناسایی علل نتایج به دست آمده هستند.

رویکرد اثبات گرایی مبتنی بر قیاس است. از همبستگی و آزمایش برای کاهش روابط متقابل پیچیده بین اجزا استفاده میشود.

آزمایشهای واقعی بر آزمایشهای شبیه سازی شده برتری دارند رویکردی که بر روشها مبتنی باشد و برای کشف قوانین کلی طراحی شده باشد نموتتیک نام دارد.

فرا اثبات گرایان نیز به دنبال درک روابط علی .هستند آنان در همین زمینه، از مطالعات مبتنی بر همبستگی و آزمایشی استفاده می کنند.

پارادایم علمی به پیش بینی و تعمیم نیاز دارد از اینرو، روشهای مبتنی بر این پارادایم به ایجاد داده های کمی میپردازند مثالهایی از این دسته عبارت اند از: آزمونهای استاندارد شده پرسشنامه های بسته و توصیف پدیده ها از طریق ابزارهای استاندارد برای مشاهده تحلیل دادهها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی صورت میگیرد. از طریق آمار استنباطی میتوان به تعمیم نتایج به جامعه مورد بررسی پرداخت.

از این دیدگاه پژوهش زمانی مطلوب است که نتایج به دست آمده ناشی از متغیر مستقل (اعتبار درونی) را بتوان به جوامع یا موقعیت ها (اعتبار بیرونی) نسبت داد و پژوهشگران بتوانند داده های مشابه را به شیوه مشابهی ثبت و ضبط نموده و به نتایج مشابهی دست یابند.

فرا اثبات گرایی پس از اثبات گرایی و در قرن بیستم پا به عرصه وجود نهاد. فرا اثبات گرایی از نظر هستی شناسی و معرفت شناسی مانند اثبات گرایی است؛ هرچند تفاوت هایی نیز با آن دارد اولاً حقیقت به وجود آمده توسط پارادایم علمی بر اساس حقایق مبتنی بر فرضیه ها آزمون شده قرار دارد ،ثانیاً بر اساس اصل ابطال پذیری هیچ گاه نمیتوان درستی نظریات علمی را اثبات کرد و تنها زمانی میتوان آنها را پذیرفت که تمامی تلاشهای انجام گرفته برای رد آنها نافرجام بماند. از این رو، هر گزاره علمی باید برای همیشه مردد باشد.

**۲- پارادایم تفسیری**

هستی شناسی پارادایم تفسیر گرایی مبتنی بر نسبی گرایی است. نسبی گرایی بدین معناست که واقعیت امری ذهنی است و از فردی به دیگری متفاوت است.

معرفت شناسی تفسیرگرایی مانند ذهنی گرایی مبتنی بر دنیای واقعی است. جهانی مستقل از دانش ما نسبت به آن وجود ندارد.

پارادایم تفسیرگرایی به جمعی ایدئولوژی ها نمیپردازد بلکه آنها را میپذیرد.

دانش و واقعیت معنادار بر اساس رابطه متقابل بین انسانها و جهان آنها ایجاد شده و در محیط اجتماعی توسعه و انتقال می یابد؛ بنابراین جهان اجتماعی تنها از دیدگاه افرادی که در آن مشارکت دارند درک میشود. هدف تفسیر گرایی وارد نمودن نیروها و ساختارهای پنهان به خودآگاهی است.

روش شناسی تفسیر گرایی مبتنی بر درک پدیده ها از دیدگاه افراد است و به بررسی روابط متقابل بین افراد و محیط های فرهنگی و تاریخی میپردازد که در آن زندگی می کنند. نمونه هایی از این روش شناسی عبارت است از: نمونه کاوی،پدیدارشناسی ، هرمنوتیک و قوم نگاری.

نظریه تفسیری معمولاً داده بنیاد است؛ بدین معنا که از داده ها به وجود آمده نه اینکه مقدم بر آنها باشد؛ بنابراین، سؤال های پژوهش کاملاً واضح و روشن است. رویکردی که مشخصه آن تأکید بر موارد انسانی در جهان اجتماعی ،باشد رویکرد اندیشه گرایی است. تفسیرگرایان معتقدند: دانش فارغ از ارزش ممکن نیست.

روشهای تفسیری منجر به درک و ایجاد بینش نسبت به رفتار شده، به توضیح اعمال از دیدگاه مشارکت کنندگان میپردازند و بر مشارکت کنندگان تسلط نمی یابند.